

بررسی عوامل موثر بر گرایش به کجروی فرهنگی دانشجویان دختر و پسر

سیمین شمس^{۱*}، معصومه عموزاده^۲، حجت زینی‌وند مقدم^۳ و بهمن غلامی^۴

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی عوامل موثر بر گرایش به کجروی فرهنگی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام‌نور در شهرستان دره‌شهر صورت پذیرفته است. متغیرهای مطرح در این پژوهش که شامل پایگاه اجتماعی-اقتصادی، دینداری، میزان کجرو بودن دوستان، و غیره است، با استفاده از دلالت‌های نظریه‌های کجروی فرهنگی مطرح شدند. چارچوب نظری این پژوهش بنا به تناسب موضوع، کجروی فرهنگی را مورد استفاده قرار داده و فرضیات پژوهش استخراج شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام‌نور شهرستان دره‌شهر را که حدود ۱۶۰۰ نفر بودند تشکیل می‌دهد. این پژوهش به شیوه پیمایشی بر روی ۳۰۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام‌نور شهرستان دره‌شهر در سال ۱۳۹۱ که به صورت تصادفی انتخاب شدند، صورت گرفت. ابزار سنجش، پرسشنامه بوده است و روایی آن با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. داده‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار آماری برای علوم اجتماعی (SPSS) و روش همبستگی پیرسون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش، حاکی از آن است که بین متغیر جنسیت با گرایش به کجروی فرهنگی، رابطه‌ای وجود ندارد، اما بین، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان دینداری، میزان کجرو بودن دوستان، واکنش والدین و متغیر دلالت‌های مقاومتی با گرایش به کجروی فرهنگی، رابطه وجود دارد. همچنین، معادله پیش‌بینی میزان گرایش به کجروی می‌تواند ۰/۳۴۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نماید.

واژه‌های کلیدی: کجروی، کجروی فرهنگی، دینداری، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، والدین.

۱- کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، مدرس دانشگاه پیام‌نور.

۲- دستیار علمی، گروه جغرافیا، دانشگاه پیام‌نور. amoozadeh55@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی علوم اجتماعی، مدرس دانشگاه پیام‌نور. Hojatmogadam11@gmail.com

۴- دستیار علمی، گروه مدیریت، دانشگاه پیام‌نور. bahman.manager80@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله: shams.simin@gmail.com

پیشگفتار

یکی از جالب‌ترین و با این حال، پیچیده‌ترین حوزه‌های جامعه‌شناسی، مطالعه و بررسی کجروی فرهنگی^۱ می‌باشد که در طی چند دهه اخیر از سوی اعضای جامعه، مدیران و پژوهشگران، به عنوان موضوعی حساس و قابل تحلیل، مورد بررسی و کنکاش عمیقی قرار گرفته است.

همان گونه که می‌دانیم، زندگی انسان‌ها با قواعد و هنجارها^۲ هدایت می‌شود و اگر برای معرفی رفتارهای مناسب و شایسته و همچنین رفتارهای نامناسب و ناشایست هیچ قواعدی نداشتیم، فعالیت‌ها و زندگی اجتماعی مان غرق در آشوب می‌شد. نه می‌توان انسانی را یافت که با همه قواعد هم‌نوا باشد و نه انسانی که همه قواعد را نقض کند و زیر پا بگذارد.

با نگاه کردن به دنیای اطراف خود متوجه خواهیم شد همان قدر که مردم از هنجارها پیروی می‌کنند، تخطی و سرپیچی از قوانین اجتماعی نیز مشاهده می‌شود (Sedigh Sarvestani, 2009). بیش‌تر ما گاهی اوقات، قواعد رفتاری مورد پذیرش عمومی را زیر پا می‌گذاریم (Giddens, 2009)، که گاه نقض این هنجارها و قواعد، سازمان‌یافته و عمدی و گاه سازمان‌نیافته و غیرعمدی و صرفاً ناشی از پذیرش جنبه‌هایی از یک فرهنگ جدید (غربی) است.

درجه انحراف بر حسب قضاوت جوامع و گروه‌های گوناگون یک جامعه متفاوت است. چه بسا عملی از نظر خانواده، انحراف تلقی شود، ولی از نظر گروهی که فرد بدان تعلق دارد انحراف صرف بشمار نرود (Sheykhavandi, 2005). مفهوم کجرو^۳ به آسانی قابل تعریف نیست (Giddens, 2009). در برخی پژوهش‌های اجتماعی در بررسی کجروی، کجروی به آنومی^۴ نزدیک می‌شود (Rafi Poor, 1999). در جای دیگر، کجروی به وقوع تعداد زیادی از مشاهدات در جامعه اطلاق می‌شود که آن‌ها نامناسب و ناشایست^۵ هستند و نیازمند درمانند (Eitzen, 1990).

کجروی را نمی‌توان صرفاً رفتاری دانست که بر آن‌ها برچسب انحراف خورده است. کجروی را می‌توانیم رفتارهایی بدانیم که در جهت مخالف رفتار اکثریت افراد جامعه نوسان داشته و با آن مغایر است. دیوید متز^۶ کجروی را منحرف شدن از راه اصلی و نرمال یا سرپیچی از معیارهای ارزش موجود به هر شکل که باشد تعریف می‌کند (Farjad, 1998, p.17; Bokharace, 2011).

1- Cultural Deviance

2- Norms

3- Deviant

4- Anomie

5- Inappropriate

6- David Matza

برای شناخت ماهیت کجروی باید نظم اجتماعی را دقیقاً بررسی نموده و عوامل کجروی را در نظم اجتماعی جستجو کرد (Farjad, 2001).

همان گونه که می‌دانیم، با اشاعه فرهنگ غربی و گسترش و دسترسی آسان به وسایل ارتباط جمعی از قبیل اینترنت، ماهواره، و غیره، جوانان با ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی متنوع و متفاوت و حتی مغایر با فرهنگ سنتی و رسمی جامعه مواجه شدند.

در نتیجه، نسل‌های جدید به سنت‌های قدیمیان وفادار نمی‌مانند و نسبت به باورها و رسومی که مقدس و سنتی شمرده می‌شوند، بی‌توجه می‌گردند. بنابراین، تغییرات هنجارها و ایدئولوژی‌ها به آسانی انجام می‌پذیرد (Farjad, 2001).

مشاهده آمارها و شواهد افزایش کجروی‌های فرهنگی در میان جوانان، دال بر گسترش و شکل‌گیری رفتارهای غیرمقبول^۱، ناهمنوایی^۲ با هنجارهای رسمی و مورد پذیرش عموم، و در پی آن، به مخاطره افتادن امنیت اجتماعی است که ضرورت بررسی عوامل موثر بر گرایش به کجروی فرهنگی جوانان را در جامعه می‌طلبد.

آنچه که مسلم است، در این برهه از زمان، هنجارشکنی‌ها، کاهش آشکار انسجام و ثبات در بازتولید الگوهای تثبیت‌شده اجتماعی، فردگرایی و غیره که تا حدی به خاطر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی اعمال شده پس از پایان جنگ تحمیلی، از جمله سیاست تعدیل اقتصادی، تاکید بر مصرف‌گرایی و مانور تجمل و از سوی دیگر، به علت گسترش ارتباطات ملی و جهانی بوده، تمامی اقشار اجتماعی، شهرهای کوچک و مناطق روستایی را در همان ابعاد و یا حتی بیش‌تر از مناطق شهری بزرگ‌تر تحت تاثیر قرار داده است. عمومیت یافتن این کجروی‌ها و نقض عمدی و غیرعمدی هنجارهای سنتی و رسمی جامعه و به عبارتی نادیده‌گرفتن موازین عرفی و شرعی که منجر به اضمحلال تدریجی فرهنگ و هویت اسلامی و بر هم زدن نظم و نظامات زندگی می‌شود، در شرایط کنونی، تبدیل به یک مسئله اجتماعی گردیده و ابعاد گسترده‌ای را به خود گرفته است.

کجروی به عنوان یک مسئله اجتماعی در بین طبقات اجتماعی در شهرستان دره‌شهر بر ساختار خانواده تاثیر گذاشته و گاه اثرات نامطلوب و بیشماری را بر جای نهاده است. افزایش روزافزون این پدیده، اهمیت و ضرورت مطالعه و بررسی این موضوع را بیان می‌نماید. پژوهش این پدیده در شرایط فعلی به دلیل افزایش بی‌رویه یک نیاز بنیادی است زیرا شهرستان دره‌شهر همانند با کل کشور با مسائل و چالش‌های متعدد دوران گذار مواجه است. مسائلی که در نتیجه تضاد زندگی به شکل گذشته و سنتی با نیازهای ناشی از هجوم زندگی جدید و مدرن است. عدم تعادل بین زندگی

¹ - Unacceptable behavior

² - Non conformism

گذشته و نیازهای حال و آینده باعث بروز بی‌نظمی و چالش‌هایی از قبیل: ناکارآمدی آموزش و پرورش، بیکاری، فقر و نابرابری، آسیب‌های اجتماعی از قبیل طلاق، اعتیاد، خودکشی، فرار دختران و خشونت جوانان شده است.

به طور کلی، داده و آمارهای مربوط به پذیرفته‌شدگان دانشگاهها، «بوجود آمدن ۳ دانشگاه (پیام نور، آزاد و علمی-کاربردی) در این شهرستان که طیف وسیعی از جوانان را به این سمت کشانیده»، در سال‌های اخیر، حاکی از روندی متفاوت‌تر از گذشته می‌باشد. حرکت جوانان به سوی دانشگاه، باعث بوجود آمدن خواسته‌ها و انتظارات متفاوتی نسبت به گذشته شده و این مسئله تا حدودی زمینه انحراف را فراهم نموده است. لذا، پژوهش در این موضوع از نظر علمی، کمکی است به دانش بشری تا با ارائه پیشنهادها لازم جهت چگونگی برخورد با این پدیده، گامی موثر در جهت کاهش و حل این گونه آسیب‌ها برداشته شود.

در این پژوهش که در شهرستان دره‌شهر اجرا می‌گردد، کجروی فرهنگی را از دو بعد عینی^۱ (رفتار) و ذهنی^۲ (نگرش) در بین دانشجویان مورد بررسی قرار می‌دهیم و سعی داریم تا رابطه آن را با دینداری فرد، پایگاه اجتماعی - اقتصادی و سایر عوامل تاثیرگذار، بررسی نماییم. بنابراین، پرسش‌های اصلی مورد بررسی این مقاله عبارتند از این که دلیل این کجروی فرهنگی و نقض هنجارهای سنتی و رسمی جامعه چیست؟ چه رابطه‌ای بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و گرایش به کجروی فرهنگی وجود دارد؟ چه رابطه‌ای بین دینداری افراد و گرایش به کجروی فرهنگی وجود دارد؟ والدین نسبت به هنجارشکنی‌های فرزندان‌شان چه واکنشی نشان می‌دهند؟ به بیان دیگر، آیا با واکنش^۳ نشان دادن شدید والدین نسبت به نقض هنجارهای سنتی و رسمی جامعه، گرایش به کجروی فرهنگی جوانان کمتر می‌شود؟ بین میزان کجرو بودن دوستان و کجروی فرهنگی جوانان چه رابطه‌ای وجود دارد؟ و آیا تفاوتی در گرایش به کجروی در بین دو جنس (زن و مرد) دیده می‌شود؟

^۱- Objective Dimension

^۲- Subjective Dimension

^۳- Reaction

پیشینه پژوهش

در زمینه کجروی و بویژه کجروی فرهنگی بررسی‌ها و پژوهشات گسترده‌ای صورت گرفته است که در این‌جا به یافته‌های برخی از مطالعات اخیر اشاره می‌شود.

ابولحسن‌تنهایی و دیگران (Abolhasan Tanhaee et al, 2007) پژوهشی با عنوان “تبیین مقایسه‌ای رفتار بزهکارانه نوجوانان دختر و پسر ۱۹-۱۳ ساله” انجام دادند. نتایج نشان داد که میزان بزهکاری (کجروی) دختران و پسران، اختلاف معناداری دارد و به بیان دیگر، پسران، کجروتر از دختران هستند.

مجمع (Majma, 2009) در پایان‌نامه خود با عنوان “الگوهای پوشش جوانان”، به روش کیفی و کمی در بین دانشجویان دانشگاه تهران به بررسی الگوهای پوشش و کارکردهای آن در دو بعد سبک زندگی و مقاومت پرداخته است. هدف از این طرح، شناخت ابعاد و مولفه‌های شکل‌دهنده الگوهای پوشش‌دهنده هم‌نوا و ناهم‌نوا با هنجارهای رسمی و تاثیر هر یک از کارکردهای مذهبی و مدرن در شکل‌گیری آن است. نتایج مطالعه مذکور نشان می‌دهد که سبک‌های زندگی و سرمایه اقتصادی و فرهنگی در شکل‌گیری انواع الگوهای پوشش موثرند.

معاونی (Moaveni, 2006) در پژوهش خود با عنوان “جهاد رژ لب” که با روش کیفی و در طی دو سال انجام شد، تعدادی از جوانان ایران که عمدتاً متولدان دوره انقلاب بودند را مورد مصاحبه و مشاهده قرار داد و نتایج حاکی از آن بود که جامعه ایران از نظر فرهنگی گیج و سردرگم است. به نظر معاونی، جوانان از سبک زندگی مغایر با هنجارهای رسمی به عنوان کنش آگاهانه‌ای برای اعمال قدرت و به نوعی در اعتراض به سیاست‌های فرهنگی حاکم استفاده می‌کنند.

سراج زاده و بابایی (Seraj Zadeh & Babae, 2009) پژوهشی را با یک نمونه ۳۷۶ نفره از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید بهشتی با عنوان “نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی و دلالت‌های مقاومتی^۱ آن” انجام دادند. نتایج حاکی از گرایش بیش از نیمی از دانشجویان به نقض برخی از هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی در حد متوسط و بالا است، تا حدی که می‌توان از شکل‌گیری خرده‌فرهنگی سخن گفت که با فرهنگ رسمی و سنتی کشور، هنجارهای متفاوتی دارد و هم‌چنین، بخش قابل توجهی از کسانی که این هنجارها را نقض می‌کنند به نوعی به عمل خود، معنی مقاومت و اعتراض می‌دهند.

سراج‌زاده و دیگران (Seraj Zadeh et al, 2009) پژوهشی با عنوان “بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان” انجام دادند. نتایج نشان داد که کجروی

^۱. Implication of persistent

با دینداری کل، رابطه‌ی معکوس معناداری دارد. دینداری از راه کاهش احساس انومی در افراد نیز در کاهش بروز کجروی تاثیر دارد.

سراج زاده و بابایی (Seraj Zadeh & Babae, 2010) در پژوهش خود با عنوان "جهانی شدن، فرهنگ جهانی و کجروی فرهنگی"، با بررسی نمونه ۳۷۶ نفری از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید بهشتی تهران نشان می‌دهند که بین پذیرش فرهنگ جهانی-غربی و کجروی فرهنگی، رابطه نسبتاً قوی‌ای ($\gamma = 0.837$, $\text{Kendalls tau} = 0.474$) وجود دارد، اما بین قرار گرفتن در معرض فرایند جهانی شدن با پذیرش فرهنگ جهانی رابطه نسبتاً ضعیفی ($\gamma = 0.466$, $\text{Kendalls tau} = 0.210$) و قرار گرفتن در معرض فرایند جهانی شدن و کجروی فرهنگی نیز رابطه متوسطی ($\gamma = 0.630$, $\text{Kendalls tau} = 0.313$) وجود دارد.

گلچین (Golchin, 2006)، "انحراف اجتماعی جوانان در آینه پژوهش‌ها" را مورد مطالعه قرار داد و به این نتایج رسید که کجروی و بزهکاری نوجوانان تحت تأثیر یا در رابطه با عواملی همچون جنس، سن، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده، درجه‌ی مذهبی بودن والدین، میزان تماس افراد با دوستان کجرو، عضویت در گروه‌های بزهکاری، وضعیت تحصیلی، میزان تعلق به مدرسه، میزان شرکت والدین در جلسه‌های انجمن اولیاء و مربیان است. متغیرهایی که بیش‌ترین تکرار و تأیید را در ارتباط با ایجاد، زمینه‌سازی و تقویت رفتار انحرافی و بزهکاری نوجوانان داشته‌اند به ترتیب عبارتند از: پایگاه اقتصادی-اجتماعی^۱، میزان ارتباط نوجوان با گروه دوستان ناهمنوا و تمایل و عضویت در آن گروه‌ها، نوع و میزان نظارت و کنترل والدین بر رفتار نوجوانان و میزان گسیختگی و نابسامانی خانواده. تقریباً در همه انواع کجروی، پسران بیش از دختران مرتکب رفتار انحرافی شده‌اند.

هبدیج (Hebdige, 1979) پژوهشی با عنوان "خرده‌فرهنگ: معنای سبک" انجام داده است که در آن به مطالعه پدیده‌هایی پرداخت که هژمونی را به مبارزه می‌طلبند. مطالعه موردی وی از فرهنگ جوانان انگلیسی نشان می‌دهد که گروه‌های پانک، ماد و غیره، از راه لباس‌هایی که می‌پوشند و تصاویری که ارائه می‌دهند هژمونی را به مبارزه می‌طلبند.

تایتل (Tittle, 1980) مطالعه‌ای را با عنوان "تحریم و انحراف اجتماعی" انجام داد و دریافت که رابطه‌ی معکوسی بین میزان دینداری و کجروی افراد وجود دارد.

باک و دیگران (Bock et al, 1987) در مطالعه خود با عنوان "پیام‌های اخلاقی"، ثابت کردند که دینداری، توان استفاده‌ی مجاز از مشروبات الکلی، و نه افراط در مصرف آن، را ایجاد می‌کند.

¹. social economic status

بارکت و وارن (Burkett & Warren, 1987) در پژوهش خود با عنوان "دینداری، وابستگی همسالان و مصرف ماری‌جوآنا"، به این نتیجه دست یافتند که دینداری صرفاً از نفوذی غیرمستقیم برخوردار است و این نفوذ نیز، از راه گزینش همسالان محقق می‌شود و این در حالی است که گزینش همسالان، به نوبه خود قادر است بزه را کاهش دهد.

اسمیت (Smith, 1999) در مطالعه خود با عنوان "بزهکاری و زندگی خانوادگی" به این نتیجه دست یافت که کنترل والدین و سطح ارتباطات عاطفی خانواده با بزهکاری افراد یک رابطه معکوس و معناداری دارد.

گلدستین و هون (Goldeston & Heaven, 2000) در پژوهش خود با عنوان "ادراک نوجوانان از بزهکاری خانواده و تعدیل هیجان" به این نتیجه دست یافتند که نظارت ناکافی و دادن آزادی‌های بی‌حد و حصر به نوجوانان از عوامل مهم گرایش نوجوانان به کجروی است.

چار چوب نظری

نظریه کنترل^۱: فرض اصلی در این نظریه این است که افراد به طور طبیعی تمایل به کجروی دارند، و اگر تحت کنترل قرار نگیرند، چنین می‌کنند رکلس (Reckless, 1973)، و کجروی افراد، بیش از آن‌که ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است (Nye, 1985, pp. 3-9; Sedygh Sarvestani, 2009, p. 46). (هیرشی 1969, Herschi) یکی از نامدارترین

نظریه پردازان کنترل، چنین استدلال کرده که چهار نوع رشته پیوستگی وجود دارد:

- دلبستگی: میزان توجه و حساسیت فرد نسبت به دیگران و دیدگاه‌ها و توقعات‌شان،
- سرسپردگی: میزان همراهی پاداش‌ها و مجازات‌های اجتماعی با رفتار هم‌نوا و نابهنجار افراد؛
- درگیر بودن: میزان وقتی که فرد در فعالیت‌های عادی اجتماعی صرف می‌کند؛
- باور داشتن: میزان اعتبار اخلاقی هنجارهای اجتماعی برای فرد، یا میزان درونی‌کردن هنجارهای اجتماعی.

هر عنصر یک حلقه ارتباط بین فرد و جامعه است. اگر این پیوستگی‌ها به حد کافی نیرومند باشند مردم را آزاد نمی‌گذارند تا قواعد را نقض کنند و بدین ترتیب به حفظ نظم و هم‌نوايي^۲ کمک می‌کنند، اما در صورت سست شدن این پیوند با جامعه، ممکن است کجروی پدید آید. هیرشی و گات فردسان^۳ مدعی‌اند که افراد کجرو به دنبال ارضاء خاطر سریع و آسان هستند و اهداف کوتاه

¹- Control Theory

²- Conformity

³- Gottfredson

مدتی در جامعه دارند. اینگونه افراد از خود کنترل ضعیفی برخوردارند که منشا آن را باید در خانواده و دوران کودکی و جامعه پذیری ناکارآمد یافت (Gottfredson et al, 1990, pp. 90-97; Sedygh Sarvestani, 2009, pp. 47-48; Giddnes, 2009, p. 311; Herschi, 1969, p. 16-26; Momtaz, 2002, p. 120-123; Wite et al, 2004, pp. 306-307).

جان هاگان (Hagan, 1987) نیز، با بسط نظریه "کنترل- قدرت"^۱، معتقد است نرخ کجروی تابعی است از دو عامل:

(۱) موقعیت طبقاتی (قدرت)

(۲) عملکرد خانواده (کنترل)

ارتباط بین این دو متغیر درون خانواده است که سبب می‌شود تا خانواده قدرتی را که در محل کار دارد در خانواده بازتولید کند. موقعیت طبقاتی والدین که در شرایط تجربه کاری و محیط کاری آن‌ها تعریف می‌شود رفتار انحرافی بچه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

هاگان (Hagan, 1987) میزان متفاوت آزادی پسرها و دخترها در خانواده را یکی از عوامل اساسی متفاوت بودن انحرافات اجتماعی دو جنس دانسته است یعنی پسران نسبت به دختران برای منحرف شدن آزادی عمل بیشتری دارند و به عبارتی کمبود نظارت بر پسران جوان و نوجوان اجازه می‌دهد که مرتکب رفتار انحرافی شوند.

کنترل و تسلط بر افراد جوان خانواده بسیار کاهش یافته و موجب بروز زیادی از انحرافات شده است (Sheykhi, 2007).

بنابراین، بر اساس این نظریه‌ها، خانواده نقش مهم و بسزایی در کجروی فرد ایفا می‌کند و چنانچه والدین بر رفتارهای فرزندان‌شان، کنترل و نظارت کمی داشته باشند و یا نسبت به نقض هنجارها به وسیله فرزندان‌شان، بی‌تفاوت باشند، احتمال کجروی فرد افزایش می‌یابد که گاه این عدم کنترل و نظارت ناشی از ناتوانی والدین از کنترل رفتارهای فرزندان و گاه ناشی از غیر مذهبی بودن خانواده و عدم واکنش شدید نسبت به نقض موازین شرعی و عرفی است و همچنین، این پدیده بیش‌تر در بین پسران رواج دارد.

نظریه یادگیری^۲: بر اساس این نظریه، جرم و کجروی رفتاری است که افراد آن را می‌آموزند. ساترلند که مهم‌ترین فرد شاخص در بین صاحب‌نظران نظریه یادگیری است، بر این باور است که کجروان، کجروی را بیش‌تر از دیگران و در درون گروه‌های اولیه فرا می‌گیرند. افراد، بر اساس تفاوت ارتباط خود با مجرمین یا کجروان و یا غیرمجرمین یا همنوایان الگوهای رفتار کجروانه را یاد می‌گیرند. بنابراین، اگر کسی بیشتر در معرض تعاریف اجتماعی و پیام‌های مثبت درباره کجروی

^۱ - Control-power theory

^۲ - Learning Theory

قرار گیرد، کجرو می‌شود. ساترلند ادامه می‌دهد که تفاوت ارتباطات ممکن است ناشی از فراوانی، دوام، تقدم، و شدت باشد. فراوانی و دوام به میزان ارتباط با رفتار کجرو مربوط می‌شوند. منظور از تقدم، سن برقراری ارتباط با کجروی است، یعنی احتمال کجرو شدن افرادی که از سنین پایین در معرض الگوهای رفتار کجرو قرار می‌گیرند بیش‌تر از دیگران است و سرانجام، منظور از شدت، اعتبار منبع (افراد) صادرکننده الگوی کجرو یا هم‌نوا از نظر فرد و میزان پیوند عاطفی او با آن‌ها می‌باشد. اگر میزان و نوع ارتباط فردی با الگوهای کجرو از نظر فراوانی، دوام، تقدم و شدت بیش از الگوهای رفتار عادی باشد، وی به احتمال زیاد کجرو خواهد شد و برعکس (Sutherland & Cresssey, 2001, pp. 77-83; See Valad, 2001, pp. 251-258; Salimi et al, 2001). بنابراین، انتظار می‌رود که افرادی که دوستان کجروتری دارند، گرایش به کجروی بیش‌تری از خود نشان دهند.

نظریه آنومی مرتون^۱: این نظریه بیش‌تر به موقعیت طبقه پایین جامعه در ساخت طبقاتی جامعه توجه دارد. به نظر مرتون، جامعه، همه افراد از جمله اعضای طبقه پایین را ترغیب و تشویق می‌کند تا به سوی اهداف طبقه متوسط به بالا بشتابند در حالی که محدودیت‌های اقتصادی - اجتماعی، این امر را دشوار و حتی ناممکن می‌سازد. بنابراین، افراد طبقه پایین برای رسیدن به اهداف مورد نظر به روش‌های نابهنجار و انحرافی متوسل می‌شوند. به نظر مرتون، افراد طبقه متوسط و بالا که به آسانی به وسایل مشروع دسترسی دارند بیشتر هم‌نوا هستند، در حالی که افراد طبقه پایین که به فرصت‌های بلوکه‌شده برخورد می‌کنند، به احتمال زیاد، بدعت را بر می‌گزینند و به روش‌های نابهنجار روی می‌آورند (Merton, 1980, pp. 116-122; Seraj Zadeh et al, 2007). بر اساس این نظریه انتظار می‌رود که کجروی فرهنگی در بین اعضای طبقه پایین بیش‌تر مشاهده گردد. ضعف و گسیختگی انسجام اجتماعی در بین گروه خانواده، گروه شغلی، مذهبی، دوستان و غیره؛ ضعف وجدان جمعی و تردید در مورد ارزش‌ها و هنجارها همگی از مهم‌ترین متغیرهای تئوریک این نظریه هستند (Feyzollahi, 2010).

نظریه دورکیم درباره دین^۲: دورکیم دین را با ماهیت کلی نهاد‌های جامعه مرتبط می‌داند و آن را بر اساس تمایز بین مقدس و نامقدس تعریف می‌کند. بنا بر استدلال وی، در فرهنگ‌های کوچک و سنتی تقریباً تمامی جنبه‌های زندگی زیر نفوذ دین است. شعائر دینی هم موجب پیدایش اندیشه‌ها و مقوله‌های فکری تازه می‌شود و هم ارزش‌های موجود را تحکیم و تثبیت می‌کند. دین، صرفاً مجموعه‌ای از عواطف و فعالیت‌ها نیست؛ بلکه طرز فکر اعضای فرهنگ‌های سنتی را تعیین

¹ - Merton's theory of anomie

² - Durkheim's theory of religion

می‌کند. دورکیم بر این واقعیت تاکید می‌کند که شعایر و مراسم جمعی، حس انسجام و همبستگی گروهی را تحکیم و تقویت می‌کند (Giddnes, 2009).

بر اساس این نظریه انتظار می‌رود که هر چه افراد دیندارتر باشند به علت همبستگی گروهی بیشتر و حس انسجام آن‌ها که بواسطه دین ایجاد گشته، گرایش به کجروی در بین آن‌ها کم‌تر دیده شود.

نظریه خرده فرهنگی بیبرمنگام^۱: این نظریه با الهام از مباحث استوارت هال که با اتخاذ یک رویکرد نومارکسیستی بر اهمیت طبقه^۲، قومیت^۳ و جنسیت^۴ در تحلیل فرهنگ جوانان تاکید داشت، شکل گرفت. هال و همکارانش در کتاب مقاومت از طریق مناسک استدلال کردند که جوانان طبقه پایین و متوسط، از راه سبک زندگی خاص خود در پی ابراز مخالفت با مفروضات ایدئولوژیک نظام سرمایه داری بودند. به نظر دیک هبداچ (Hebdige, 1979)، خرده فرهنگ‌ها صورت‌های بیانی هستند که یک تنش اساسی بین فرادستان و فرودستان را ابراز می‌کنند. خرده فرهنگ‌ها از راه سبک‌های متفاوت، هویت متفاوتی را ابراز می‌کنند و نسبت به نظم اجتماعی مسلط اعتراض کرده آن را به چالش می‌کشاند. به نظر وی، فرهنگ جوانان، فرهنگی مقاوم در برابر سلطه طبقاتی است که از طریق انواع گوناگونی از سبک‌ها این مقاومت صورت می‌گیرد (Youth International Organization, 2004, Hebdige, 1979, Seraj Zadeh et al, 2010). با توجه به این نظریه، می‌توان چنین استدلال کرد که نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی توسط گروه‌هایی از جوانان جامعه می‌تواند در واقع نوعی مقاومت در برابر هنجارها و فرهنگ رسمی غالب باشد.

فرضیه‌های پژوهش

در این مقاله با استفاده از دلالت‌های نظریه‌های مورد بحث در ارتباط با متغیرهای مورد نظر، فرضیه‌های پژوهش مطرح می‌شوند:

- ۱- بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد و کجروی فرهنگی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان دینداری افراد و کجروی فرهنگی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان کجرو بودن دوستان و گرایش به کجروی فرهنگی افراد، رابطه وجود دارد.
- ۴- بین جنسیت و کجروی فرهنگی افراد رابطه وجود دارد.
- ۵- بین واکنش والدین و کجروی فرهنگی فرزندان رابطه وجود دارد.

¹- Subculture theory of Birmingham

²- Class

³- Ethnicity

⁴ - Gender

۶- بین عدم رضایت از فرهنگ رسمی و سنتی غالب جامعه (دلالت‌های مقاومتی) با کجروی فرهنگی افراد، رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش که در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته، مبتنی بر رویکرد کمی است و از تکنیک پیمایشی و از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور شهرستان دره‌شهر تشکیل می‌دهند. تعداد کل دانشجویان این دانشگاه، ۱۶۰۰ نفر می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه‌ای که برای پژوهش در نظر گرفته شد، ۳۰۰ نفر است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری تصادفی بوده است.

در این پژوهش، تعریف متغیرها و شیوه سنجش آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

کجروی فرهنگی: به طور کلی، کجروی را گاه، حالت یا رفتاری دانسته‌اند که از نظر اجتماعی، ضد ارزش شمرده می‌شود سلیمی (Salimi et al, 2001)، بنابراین از ویژگی‌های مهم کجروی آن است که مفهومی فراگیر دارد راک (Rock, 1985)، و گستره وسیعی از رفتارها و واکنش‌ها می‌تواند مصداق آن باشد. ویژگی دیگر کجروی آن است که مفهومی نسبی دارد، یعنی این پدیده با توجه به تحولات جوامع در طول زمان و یا تغییرات فرهنگ از یک جامعه به جامعه دیگر و حتی تغییرات رفتار یک گروه نسبت به گروه دیگر، متفاوت می‌باشد. بنابراین می‌توان مراتب گوناگونی از کجروی را حتی در متعادل‌ترین شخصیت‌ها تشخیص داد (Nick Gohar, 1990).

بر این اساس، منظور از کجروی‌های فرهنگی، رفتارهایی است که بر اساس معیارهای اخلاقی و نظام هنجاری سنتی اسلامی و هنجارهای رسمی غالب، ناپسند و گاه جرم به حساب می‌آیند (Seraj Zadeh, 2004). برای اختصار، هر جا که از کجروی فرهنگی صحبت می‌شود، منظور نقض هنجارهای فرهنگ دینی- سنتی و فرهنگ غالب رسمی در جامعه است.

در این پژوهش، سوالات مربوط به کجروی فرهنگی از پرسشنامه‌ای که توسط سراج‌زاده برای سنجش "نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی غالب" تهیه و تنظیم شده بود، اقتباس گردید. این متغیر به دو بعد عینی و ذهنی تقسیم شده، و به این معنی است که افراد دارای نگرش مثبت به این نوع رفتارها، کجرو ذهنی و افرادی که عملاً مرتکب چنین رفتاری شده‌اند، کجرو عینی بشمار می‌آیند. در پرسشنامه سراج‌زاده، ۸ گویه برای متغیر بعد ذهنی کجروی فرهنگی (آلفای ۰/۸۹) و ۱۶ گویه برای بعد عینی کجروی فرهنگی (آلفای ۰/۹۲) طراحی شده است.

مقاومت: در این پژوهش، مقاومت بر اساس توجه آگاهانه کنشگران نسبت به نقض عمدی هنجارهای سنتی رسمی غالب در جامعه و به عبارتی به عنوان دلالت‌های اعتراضی رفتارشان تعریف

شده است. برای سنجش این متغیر نیز، از ۴ گویه‌ای که سراج‌زاده در پرسشنامه‌ی نقض هنجارهای فرهنگ رسمی و سنتی غالب جامعه طراحی کرده و دارای ضریب پایایی به میزان ۰/۸۱ بود، استفاده گردیده است.

دینداری: دینداری^۱، نمود و جلوه دین در جامعه است (Hoseyn Zadeh, 2004; Seraj Zadeh, 2009). منظور از دینداری در این پژوهش، التزام فرد به دین اسلام در ابعاد گوناگون آن است.

به واسطه دین، می‌توان کنترل اجتماعی یا به قول دورکیم، انسجام و وحدت اجتماعی را تقویت کرد. بی‌شک جامعه در شکل‌بخشی به تصورات دینی نقش اساسی ایفا می‌کند؛ این فرد انسانی است که القانات جامعه را می‌پذیرد و به آن شکل مطلوب خود را می‌دهد جلالی (Jalali Moghadam, 2000) یا آن چنان‌که که هگل می‌گوید: «دین هر قوم، آینه آن قوم است» همه چیز آن قوم را نمایان می‌کند؛ ایده‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم یا از دیانت‌مان ستانده‌ایم یا به دیانت‌مان تزریق کرده‌ایم، این ایده‌ها در شکل بخشیدن به روابط انسانی چه بین رعایا و چه بین رعیت و حاکم، نقش اصلی و اساسی دارند (Soroosh, 2000).

در این پژوهش، برای سنجش میزان دینداری از مدلی که گلاک و استارک ارائه کردند، استفاده گردید. برای این مقیاس، جمعا ۲۱ گویه طراحی شده است که بعد اعتقادی و عاطفی یا تجربی هر کدام ۶ گویه، بعد پیامدی ۴ گویه، و بعد مناسکی ۵ گویه دارد. گویه‌های مربوط به ابعاد اعتقادی، عاطفی و پیامدی، دینداری پاسخگویان را در یک طیف پنج قسمتی (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) اندازه‌گیری می‌کنند. در بعد مناسکی نیز، گویه‌ها در طیفی پنج قسمتی (از همیشه تا هیچ وقت) ارزش‌گذاری شده که بر حسب نوع گویه از ۵ تا ۱ امتیاز به آن اختصاص داده شده است.

روایی و پایایی ابزار سنجش

در این پژوهش، برای کسب روایی صوری، از توافق داوران استفاده شد. پس از چند بار بازبینی و انجام مصاحبه‌های اکتشافی و تشخیص اشکالات محتوایی پرسشنامه اولیه اصلاح و روایی صوری ابزار، تامین گردید.

برای تعیین پایایی پرسشنامه، ابتدا آزمون مقدماتی در بین ۵۰ نفر از نمونه‌ها انجام گرفت که بعد از جمع‌بندی پاسخ‌ها، نتایج آلفای کرونباخ نشان داد که پرسشنامه از اعتبار بالا و مناسبی برخوردار است ($\text{Alpha} = 0/86$). آلفای متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک در جدول زیر مشاهده می‌شود.

¹ - Religiosity

جدول ۱- ضریب پایایی مقیاس‌ها (آلفای کرونباخ)

مقیاس	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
بعد ذهنی کجروی فرهنگی	۸	۰/۸۸
بعد عینی کجروی فرهنگی	۱۶	۰/۹۰
دلالت‌های مقاومتی	۴	۰/۸۳
دینداری	۲۱	۰/۸۷
واکنش والدین	۶	۰/۸۱
کجرو بودن دوستان	۵	۰/۸۵
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۴	۰/۷۹

یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش، ۵۱/۳ درصد از افراد نمونه را زنان و ۴۸/۶ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. ۷۵/۶ درصد از افراد، مجرد و حدود ۲۴/۳ درصد آن‌ها متاهل بودند. ۵۸/۶ نفر از افراد نمونه، لر، ۳۱/۶ کرد، و ۹/۶ درصد فارس بودند. همچنین، از لحاظ بعد ذهنی کجروی فرهنگی ۴۲/۳ از افراد نمونه، نگرش مثبتی به کجروی فرهنگی از خود نشان دادند و بر اساس سنج عینی کجروی فرهنگی، ۶۱/۹ درصد از افراد از لحاظ رفتاری، گرایش به کجروی فرهنگی بالایی داشتند.

یافته‌های استنباطی

فرضیه نخست: بین متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد و کجروی فرهنگی (بعد ذهنی، عینی) آن‌ها رابطه وجود دارد:

جدول ۲- آزمون همبستگی بین متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی و متغیر کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی)

متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی اقتصادی و کجروی ذهنی	-۰/۲۰۶	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی اقتصادی و کجروی عینی	-۰/۳۰۶	۰/۰۰۰

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار ضریب همبستگی پایگاه اجتماعی- اقتصادی و کجروی ذهنی ۰/۲۰۶- است. بنابراین، نتایج نشان دهنده وجود رابطه معکوس و معنی‌دار بین این دو متغیر می‌باشد، یعنی هر چه فرد از پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تری برخوردار باشد،

گرایش به کجروی ذهنی در وی بیش تر مشاهده می شود. رابطه دو متغیر در سطح $0/01$ معنی دار است.

از سوی دیگر، مقدار ضریب همبستگی پایگاه اجتماعی-اقتصادی و کجروی عینی $0/306$ - است. بنابراین، نتایج نشان دهنده وجود رابطه معکوس و معنی دار بین این دو متغیر می باشد. یعنی هر چه فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین تری برخوردار باشد، گرایش به کجروی عینی در وی بیش تر مشاهده می شود. رابطه دو متغیر در سطح $0/01$ معنی دار است. بنابراین، این فرضیه مورد تایید قرار می گیرد.

فرضیه دوم: بین میزان دینداری افراد و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی) آن ها رابطه وجود دارد:

جدول ۳- آزمون همبستگی بین متغیر دینداری و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی)

متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دینداری و کجروی ذهنی	$-0/310$	$0/000$
دینداری و کجروی عینی	$-0/447$	$0/000$

نتایج جدول ۳ نشان می دهد که مقدار ضریب همبستگی برای رابطه متغیر دینداری و کجروی ذهنی $0/310$ - است که در سطح $0/01$ رابطه دو متغیر معنی دار است. هم چنین، مقدار ضریب همبستگی برای متغیر دینداری و کجروی عینی $0/447$ - می باشد که در سطح 99 درصد معنی دار است. این فرضیه نیز تایید گردید.

فرضیه سوم: بین میزان کجرو بودن دوستان و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی) افراد رابطه وجود دارد.

جدول ۴- آزمون همبستگی بین میزان کجرو بودن دوستان و متغیر کجروی فرهنگی

(ذهنی و عینی)

متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان کجرو بودن دوستان و کجروی ذهنی	$0/224$	$0/000$
میزان کجرو بودن دوستان و کجروی عینی	$0/178$	$0/002$

مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر $0/178$ و در سطح 99 درصد معنادار است در جدول زیر مشاهده می شود که مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر میزان کجرو بودن دوستان و

کجروی ذهنی، یعنی $t=0/024$ است و رابطه این دو متغیر در این پژوهش به لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین، این فرضیه تایید می شود.

فرضیه چهارم: بین متغیر جنسیت و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی) افراد رابطه وجود دارد:

جدول ۵- آزمون همبستگی بین جنسیت و متغیر کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی)

متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
جنسیت و کجروی ذهنی	-0/107	0/065
جنسیت و کجروی عینی	-0/192	0/001

مقدار ضریب همبستگی بین این دو متغیر $-0/192$ و در سطح ۹۹ درصد معنادار است. در جدول زیر مشاهده می شود که مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر جنسیت و کجروی ذهنی، یعنی $t=0/107$ است. رابطه این دو متغیر در این پژوهش به لحاظ آماری معنی دار نیست. بنابراین، این فرضیه تایید نمی شود.

فرضیه پنجم: بین متغیر واکنش والدین و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی) افراد رابطه وجود

دارد:

جدول ۶- آزمون همبستگی بین متغیر واکنش والدین و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی)

متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
واکنش والدین و کجروی ذهنی	0/666	0/000
واکنش والدین و کجروی عینی	0/610	0/000

در این پژوهش، همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می شود مقدار ضریب همبستگی برای رابطه متغیر واکنش والدین و کجروی ذهنی معادل $0/666$ است و مقدار ضریب همبستگی برای رابطه متغیر واکنش والدین و کجروی عینی $0/610$ می باشد و رابطه دو متغیر یاد شده در این مقاله به لحاظ آماری و در سطح ۹۹ درصد معنی دار است. بنابراین، فرضیه یاد شده تایید می گردد.

فرضیه ششم: بین متغیر عدم رضایت از فرهنگ رسمی و سنتی غالب جامعه (دلالت‌های مقاومتی و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی) رابطه وجود دارد:

جدول ۷- آزمون همبستگی بین متغیر عدم رضایت از فرهنگ رسمی و سنتی غالب جامعه (دلالت‌های مقاومتی) و کجروی فرهنگی (ذهنی و عینی)

متغیر	همبستگی پیرسون	سطح معناداری
دلالت‌های مقاومتی و کجروی ذهنی	۰/۴۱۰	۰/۰۰۰
دلالت‌های مقاومتی و کجروی عینی	۰/۵۰۱	۰/۰۰۰

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند، مقدار ضریب همبستگی متغیر عدم رضایت از فرهنگ رسمی و سنتی غالب جامعه (دلالت‌های مقاومتی) و کجروی ذهنی ۰/۴۱۰ است، که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است. هم‌چنین، نتایج در مورد مقدار ضریب همبستگی عدم رضایت از فرهنگ رسمی و سنتی غالب جامعه (دلالت‌های مقاومتی) و کجروی عینی ۰/۵۰۱ به همین شکل است. بنابراین، این فرضیه تایید می‌شود.

معادله رگرسیونی پیش‌بینی کجروی

برای ساختن معادله رگرسیونی پیش‌بینی کجروی، متغیرهایی را که در سطح فاصله‌ای و دارای رابطه با متغیر وابسته بودند، به عنوان متغیر مستقل و متغیر کجروی را به عنوان متغیر وابسته با استفاده از دستور رگرسیون در نرم افزار SPSS وارد نمودیم.

جدول ۸- تجزیه واریانس رگرسیون کجروی برحسب عامل‌های مستقل

منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون	۵	۳۹۳۸/۵	۷۸۷/۷۰	۳۱/۲۹۹	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۹۵	۷۳۹۹/۰۵	۲۵/۱۶		
کل	۳۰۰	۱۱۳۳۷/۵۸			

$$R = ۰/۵۸۹ \quad R^2 = ۰/۳۴۷$$

بررسی نتایج بدست آمده در جدول ۸ بیانگر آن است که معادله پیش‌بینی میزان گرایش به کجروی می‌تواند ۰/۳۴۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را پیش‌بینی نماید که این مطلب را R^2 به ما نشان می‌دهد. از این جدول پیداست که مدل ذکر شده برازش خوبی به داده‌ها دارد و می‌تواند

برای پیش‌بینی کجروی از روی عواملی که در مدل موجودند به کار گرفته شود زیرا سطح معنی داری $F/0.000$ است و به لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد.

نتایج پژوهش

این پژوهش به دنبال بررسی عوامل موثر بر گرایش به کجروی فرهنگی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه پیام نور در شهرستان دره‌شهر صورت پذیرفته است. در این پژوهش، نظریه‌های هاگان، دورکیم، مرتون، ساترلند، بیرمنگام و غیره مورد بررسی قرار گرفت. رابطه معناداری فرضیه‌ها از روش آزمون پیرسون انجام شد و در آخر، از معادله رگرسیون پیش‌بینی کجروی استفاده شد.

نخستین متغیری که مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی بود. در این فرضیه، انتظار داشتیم که هر چه فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری برخوردار باشد، گرایش به کجروی فرهنگی در وی بیشتر مشاهده شود. یافته‌ها، نمایانگر این است که افرادی که در سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین‌تری قرار دارند نسبت به افرادی که از پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتری برخوردارند، چه از نظر نگرشی و چه از نظر رفتاری، کجروتر هستند. این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با نتایج پژوهش گلچین (Golchin, 2006) همسو می‌باشد.

فرضیه دوم، به بررسی رابطه بین متغیر دینداری و گرایش به کجروی فرهنگی می‌پردازد. نتایج پژوهش، بیانگر وجود رابطه بین متغیر دینداری و گرایش به کجروی فرهنگی است و این فرضیه نیز تأیید گردید. به عبارتی، با بالا رفتن میزان دینداری افراد، گرایش به کجرو بودن آن‌ها کاهش یابد. دین و دینداری از راه جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری خاصی را درونی می‌کند. نتایج این فرضیه نیز با نتایج پژوهش‌های تاتیل (Tittle, 1980)، باک و دیگران (Bock et al, 1987) همسو می‌باشد.

فرضیه سوم، رابطه بین میزان کجرو بودن دوستان و گرایش به کجروی فرهنگی افراد را مورد بررسی قرار داد. نتایج حاکی از آن بود که رابطه معناداری بین این دو متغیر وجود دارد و این فرضیه نیز تأیید گردید. به عبارتی هر چه دوستان فرد کجروتر باشند، گرایش به کجروی فرهنگی افراد نیز بیش‌تر می‌شود. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های گلچین (Golchin, 2006) و ابوالحسن تنهایی (Abolhasan Tanhaee, 2007)، دارای همسویی می‌باشد.

فرضیه چهارم، رابطه بین متغیر جنسیت را با کجروی فرهنگی مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان می‌دهد که متغیر جنسیت، از لحاظ ذهنی گرایش به کجروی تأیید نشد، ولی از لحاظ عینی گرایش به کجروی تأیید گردید. به بیان دیگر، گرایش به کجروی فرهنگی دختران و پسران، از نظر رفتاری (بعد عینی کجروی فرهنگی) به یک اندازه بود اما از لحاظ ذهنی، بین دو جنس، تفاوت

وجود داشت. با نتایج بدست آمده از این پژوهش، این فرضیه، مورد تأیید قرار نگرفت. نتایج این فرضیه، با نتایج پژوهش‌های گلچین (Golchin, 2006) و ابوالحسن تنهایی (Abolhasan Tanhaee, 2007)، همسویی ندارد.

در فرضیه پنجم، به بررسی رابطه بین متغیر واکنش والدین و کجروی فرهنگی پرداختیم. نتایج حاکی از این بود که در شهرستان دره‌شهر، هر چه واکنش والدین نسبت به نقض هنجارهای سنتی و رسمی شدیدتر باشد، گرایش به کجروی نیز کمتر می‌شود، اما گاهی عکس این قضیه نیز صادق است که البته، در این پژوهش تأیید نشد. به بیان دیگر، با واکنش شدید نشان دادن والدین و سخت‌گیری‌های بیش از حد آن‌ها نسبت به فرزندان‌شان، ممکن است جوانان به خاطر لجبازی، گرایش به کجروی بالاتری از خود نشان دهند. با این حال، نتایج این پژوهش نیز با یافته‌های گلچین (Golchin, 2006) و اسمیت (Smith, 1999) دارای همسویی است.

و سرانجام، در فرضیه ششم، رابطه بین متغیر عدم رضایت از فرهنگ رسمی و سنتی غالب جامعه (دلالت‌های مقاومتی) و کجروی فرهنگی مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن بود که آن‌هایی که کجروی بیش‌تری داشتند، آگاهانه هنجارهای رسمی و رایج در جامعه را نقض کردند. بنابراین، این فرضیه نیز، مورد تأیید قرار گرفت. نتایج این فرضیه، با یافته‌های پژوهش‌های معاونی (Moaveni, 2006)، هبیدیج (Hebdige, 1979)، و سراج‌زاده (Seraj Zadeh, 2009) دارای همسویی می‌باشد.

بحث

ایرانیان در طول تاریخ حیات خود به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، در یک داد و ستد دائم فرهنگی با دیگران به سر برده‌اند. همین امر سبب شده است تا فرهنگ ایرانی، آمیزه‌ای از فرهنگ‌های گوناگون بشری باشد. این معنا در تهاجمات خارجی به ایران نمود برجسته‌تری را به نمایش می‌گذارد چرا که ایران بر خلاف بسیاری از کشورها، از لحاظ فرهنگی با حملات و تهاجم‌های خارج از مرزها با سعه صدر برخورد نموده و به جذب، بازسازی، باز تعریف و هماهنگ‌سازی با فرهنگ مقابل می‌پردازد.

ایران، جامعه‌ای در حال گذار یا توسعه است. در چنین جامعه‌ای با فروپاشی نظام‌ها و ساختارهای سنتی نظیر اجتماعات عشایری و روستایی و گسترش شهرنشینی، تحرکات جمعیتی و اجتماعی و تشدید تعاملات بین فرهنگ‌ها، اقوام و ملل گوناگون، اغلب مردم، بویژه جوانان، در برابر الگوهای محلی، ملی، و جهانی متفاوت و بعضاً متعارض قرار گرفته‌اند. بسیاری از جوانان، با کنده شدن از بنیادهای سنتی و در ضعف نبود ساختارهای نوین مدنی یا تشخیص ندادن الگوهای

مناسب، به تعارض، سردرگمی و بلاتکلیفی دچار می‌شوند و در چنین وضعیتی زمینه نابسامانی اجتماعی و پیدایش بحران کجروی‌ها پدید می‌آید.

در این پژوهش، با تمرکز بر پیامدهای سطح کلان، سعی کردیم که اهمیت موضوع گرایش به کجروی فرهنگی دانشجویان دانشگاه پیام نور دره‌شهر را بیان کنیم. با توجه به این که مسائل اجتماعی خود به خود حل نخواهند شد و همچنین، این مسئله که هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از ویژگی‌های جامعه ایران بوده و هست و این که خصوصیات خاص خود را دارند و نیز با مطرح کردن "عوامل موثر بر گرایش به کجروی فرهنگی" به عنوان یک مسئله اجتماعی، به نقش جامعه‌شناسی در شناسایی مسئله اجتماعی و کمک به برطرف کردن یا رفع این مسائل اشاره می‌کنیم.

به هر تقدیر، قبل از هر تصمیم‌گیری، ابتدا باید دلیل اصلی نقض هنجارهای رایج در جامعه را دریافت. اگر تنوع‌طلبی، هیجان‌خواهی، نوگرایی جوانان و غیره، دلیل اصلی نادیده گرفتن هنجارهای سنتی و رسمی جامعه باشد همان گونه که در این پژوهش آشکار شد، این مسئله نمی‌تواند به دیده کاملاً منفی کجروانه و به عنوان جرم دیده شود. جامعه‌ای که با رفتارهای کجروانه مدارا و تسامح می‌کند، لزومی ندارد که حتماً دچار آشفتگی‌های اجتماعی شود. اگر عده زیادی از مردم، زندگی خود را خالی از رضایت شخصی ببینند، به احتمال زیاد، رفتارهای کجروانه در مجرایایی خواهد افتاد که از نظر اجتماعی به ویرانی و تباهی ختم می‌شوند (Giddnes, 2009). بنابراین، اندک تسامحی در زمینه کجروی‌های ناشی از تنوع‌طلبی و نه به خاطر نقض عمده آن‌ها در اعتراض به هنجارهای رسمی و رایج در جامعه، پیشنهاد می‌گردد، زیرا شور و شوق جوانی، تحولات جسمی و روانی این دوره، و احراز هویت جدید آن‌ها با گذر از دوره جوانی و ورود به دوره بزرگسالی تعدیل می‌شود و فرایندهای جامعه‌پذیری مجدداً آشکار می‌گردد و نوجوانان و جوانان ناهمنوای امروز تبدیل به بزرگسالان هم‌نوای آینده خواهند شد. در این میان، خانواده‌ها، رسانه‌ها، و نهادهای رسمی جامعه می‌توانند نقش موثری را ایفا کنند.

Reference

- 1- Abolhasan Tanhaee, H. and Abbasi Asfajir, A. (2007). Comparative explain delinquent behavior of boys and girls aged 19-13 and Babol and Noshahr cities thoughts on gender-based compilation model, violations of crimianial and delinquency, Journal of sociology, Ashtian, Vol 3, No, 1.[Persian]
- 2- Bock, E. and Wilbure et al. (1987). Moral messages, Journals for the scientifics study of religion. P. 30.
- 3- Bokharaee, A. (2011). Sociology, social deviance, Tehran: Publishing message light. [Persian]

- 4- Burkett, Steven R. & Bruce O. Warren. (1987). Religiosity, peer associations, and marijuana use: A Panel Study of Underlying causal Structures; *criminology*; 25: 109-131.
- 5- Eitzen, S. and Maxine, B. eds (1990): *The Reshaping of America: Social Consequences of the Changing Economy*, Englewood Cliffs, N.J. Prentice Hall.
- 6- Farjad, M. H. (2008). Study of social problems (corruption, addiction, divorce), publisher mythology. [Persian]
- 7- Farjad, M. H. (2001). *Sociology of deviance and social pathology*, Tehran: Publication of Badr. [Persian]
- 8- Feyzollahi, A. (2010). Analysis of suicide in Ilam province. *Scientific-Specialized Quarterly Ilam Police*, vol 1, No. 2. [Persian]
- 9- Giddens, Anthony. Birdsall, Karen (2009). *Sociology*, translated by Hassan Chavoshiyan, Tehran: Ney publication. [Persian]
- 10- Golchin, M. (2006). Social distortion of mirror Youth Research, *Journal of Social Science*, No. 28. [Persian]
- 11- Goldeston, M. & Heaven, P.C.L. (2000). Perception of the family delinquency and emotional adjustment among youth. *Personality and Individual Deference*, 29, 116-1178.
- 12- Gottfredson, M. R. and Travis, H. (1990): *A General Theory of Crime* (Stanford, Could.: Stanford University press).
- 13- Hagan, J., Gilis, A.R., Simpson, J., (1987). Class in the household: A power-control theory of delinquency. *AJS* 92, 788-816.
- 14- Hebdige, D. (1979). *Subculture: The Meaning of Style*. London: Methuen.
- 15- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency*, Berkeley: university of California pres.
- 16- Hoseyn Zadeh, A. H. Nabavi, A. and Zandi, Ch. (2009). Study of religion and its risk factors among college students, *Journal of Social Sciences*, Shooshtar Islamic Azad University. [Persian]
- 17- Jalali Moghadam, M. (2000). *Introduction to sociology of religion*, Tehran: Center. [Persian]
- 18- Majma, SH. (2009), "The pattern of coverage of young people (lifestyle or resistance)", Thesis in M.A Sciences and Economics College. Alzahra University. [Persian]
- 19- Merton, Robert K. (1980). "Social Structure and Anomie" in Traub, Stuart, H. & little Craig, B. (eds.) *Theories of Deviance*, New York: F. E. Peacock.
- 20- Moaveni, A. (2006). *Lipstick, Jihad*. United State of America: Public Affairs.
- 21- Momtaz, F. (2002). *Social Deviations: Theory and views*, Tehran: Publishing Corporation. [Persian]
- 22- Nick Gohar, A. H. (1990). *Principles of Sociology*, Tehran: Iran Press. [Persian]

- 23- Nye, E. Ivan. (1958). Family relationship and delinquent behavior. New York: Wiley.
- 24- Rafi Poor, F. (1999). Anomy or social chaos - Research in the area of potential anomy in Tehran, Soroush Press. [Persian]
- 25- Reckless, W. (1973). The crime problem, 4th ed New York: Appleton.
- 26-Rock, p. (1996). Deviance in Kuper, Adam & Jessica, Kuper (eds). "The Social Science encyclopedia" second edition, Routledge, New York.
- 27- Salimi, A. and Davari, M. (2001). Deviate Sociological. Research Institute and the University of Qom. [Persian]
- 28- Sedigh Sarvestani, R. (2009). Social Pathology / sociology, social deviance, Tehran publisher An. [Persian]
- 29- Seraj Zadeh, H. (2004). Religion and the Challenges of Modernity, Tehran: Publication of new projects. [Persian]
- 30- Seraj Zadeh, S. H. and Javaheri, F. (2004). Tendencies of cultural, social and abnormal behaviors of students at Tehran University, Department of Social Cultural Sciences, Research and Technology Ministry. [Persian]
- 31- Seraj Zadeh, S. H. (2004). Hidden Half: Report adolescents in Tehran deviance social and cultural implications for management, Journal of Humanities martyr Beheshti University, No. 32-31. [Persian]
- 32- Seraj Zadeh, S. H. and Feyzi, I. (2007). Social Determinants of opium and alcohol consumption among college students, Journal of Social Sciences, No. 31. [Persian]
- 33 - Seraj Zadeh, S. H. and Babaee, M. (2009). Rejecting the norms of traditional and official culture and its persistent implications, Journal of social science, Vol. 17, No. 36. [Persian]
- 34- Seraj Zadeh, S. H. and Poyafar, M. R. (2009). Religion and social order: The relationship between religiosity and deviate anomy feeling among a sample of students, social issues India, Year 16, No. 63. [Persian]
- 35- Seraj Zadeh, S. H. and Babaee, M. (2010). Globalization, global culture and cultural deviate. Social Science Journal, No. 48. [Persian]
- 36- Sheikhi, M. T. (2007). Sociology and Social Work Social Issues, Tehran: Publications Harir. [Persian]
- 37- Sheykhavndi, D. (2005). Sociology of deviance and societal issues in Iran, Tehran: Publication drops. [Persian]
- 38- Smith, C.K. (1999). Delinquency and family life: The role of ethnicity and environment. State University of New York at Albany, vol. 28(1).
- 39- Soroosh, A. K. (2000). Monarchy and religious rituals, Tehran: Publications Serat. [Persian]
- 40- Sutherland, Edwin H. and Gressey, Donald R. (1980). "The Theory of Differential Association." in *Theories of Deviance*. Stuart H. Traub, Craig B. Little (eds.)

- 41- Tittle, Charles R. (1980). Sanction and social deviance. *Social forces*, 61: 653-682.
- 42- Valad, George et al. (2001). *Theoretical Criminology*, Translator: Ali Shojaei, Tehran: publisher side.
- 43- White, R. Heenz, F. (2004). *Crime and Criminology*, translated by Ali Salimi, Qom Seminary and University Center. [Persian]
- 44- Youth International Organization, (2004). *Documentary study of youth subcultures*, Tehran: National Youth Agency. [Persian]